

زن مظهر زیبایی و نیکی

چو زن از روضه رضوان فرود آمد به تقدیری
تجلی کرد زیبایی جهان را داد تغییری
همه زیبایی عالم بیایی در وجود زن
نبودی گر وجود او ز خلقت رفته تقصیری

زمین شد از جمالش مظهر زیبایی و نیکی
فلک هرگز ندیده این چنین زینده اکسیری
تصور کی توان کردن جهان را بی وجود زن
نه معنایی محبت را و نه از عشق تعبیری

نباشد مهر و الفت ، زیب و زینت گر نباشد زن
شود این زندگی شام سیاه و صبح دلگیری
زمین نازد زمان نازد به تو هفت آسمان نازد
کشیدم از مقام شامخت با شعر تصویری

به وصف تو سخن گفتم ولی افسوس کم گفتم
چو گویم بیشتر ، آید به قلب ناکسان تیری
تو ای دُر دانه خلقت سزاواری بسی حرمت
نشین بر مسند عزت که داری رأی و تدبیری

"کنم حسن ختام این سخن از قول پیغمبر" ص
نماز و عطر و زن را دوست می دارم" به تقریری